



سابقه طولانی مبارزات شهید آیت الله قاضی که موجب گردید که مکانت علمی ایشان آن گونه که باید مورد واکاوی قرار نگیرد.

* «جایگاه علمی شهید آیت الله قاضی طباطبائی» در گفتگو با آیت الله محسن مجتهد شبستری* درآمد

سابقه طولانی مبارزات شهید آیت الله قاضی که موجب گردید که مکانت علمی ایشان آن گونه که باید مورد واکاوی قرار نگیرد. این گفتگو هر چند به دلیل کثرت مشغله امام جامعه محترم تبریز و نماینده ولی فقیه در استان، کوتاه است؛ اما حاوی نکات ارزشمندی در این باب است. آشنایی شما با شهید آیت الله قاضی به چه زمانی برمی گردد؟

شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی رضوان الله علیه از خانواده های اصیل آذربایجان و از دودمان های بسیار شریف و اصیل، معلم اخلاق، از استوانه های عرفان و فضیلت، از مفاخر علمی و از علمای مجاهو مبارز تبریز بودند. من مکرر خدمت ایشان بودم. تحصیلات ایشان در نجف بود و بعد به تبریز آمدند. من در قم تحصیل می کردم و هنگامی که ایشان به قم تشریف آوردند، در منزل علامه طباطبائی بودند و ما هم مطلع شدیم و به دیدنشان رفتیم. ایشان بسیار به بنده لطف داشتند و می فرمودند: «چرا کم به تبریز می آید؟ دست کم تعطیلات را بیائید.» من عذرهایی را که داشتم عرض کردم، ولی به خاطر تاکیداتی که کردند، هر وقت به تبریز می رفتم، سعی می کردم بیشتر خدمت ایشان بروم. لطف خاصی به ما داشتند.

تحلیل شما از نقش شهید آیت الله قاضی در ایجاد وحدت در آذربایجان و حمایت از انقلاب چیست؟

ایشان سهم منحصر به فردی در انقلاب آذربایجان داشتند. لابد توجه دارید که آن موقع مراجع تقلید از نظر پیشروی و پیشتازی در انقلاب در یک سطح نبودند. امام از همه جلوتر بودند و اعلامیه ها و رهبری هایشان وضع خاصی داشت، ولی مراجع دیگر آن طور نبودند. ایشان با امام ارتباط فراوانی داشتند و امام هم به ایشان بسیار علاقمند بودند. تبریز در آن روزها شرایط خاصی داشت. در آذربایجان همه مقلد امام نبودند و مقلد مراجع دیگر بودند. عده ای هم با آنکه تظاهر می کردند که در نهضت شریک هستند، ولی در عمل با رهبری امام موافق نبودند. ایشان تنها فردی بود که از امام پیروی می کرد و رهبری انقلاب را در تبریز و آذربایجان به عهده گرفته بود، بنابراین انقلابیون اصیل که تا آخر هم همین طور ماندند، نه اینکه در اوایل انقلابی بودند و بعد فاصله گرفتند، انقلابیونی که از آغاز نهضت بودند و تا آخر هم انقلابی ماندند، رهبری اینها با مرحوم شهید قاضی رضوان الله علیه بود. از اول از امام پشتیبانی داشت و تا به آخر هم در خط امام و مسیر امام بود. همین برای ایشان در بین علمای آذربایجان مقیم تبریز، امتیاز خاصی بود و به همین دلیل با ایشان مخالفت هائی می شد و مظلوم واقع شده بودند. موضع گیری های شهید قاضی در برابر مسائل، مطابق الگوی امام بود. اگر مراجع دیگر دولت را مورد انتقاد قرار می دادند، امام مستقیماً به شاه حمله می کردند و می گفتند ام الفساد، دربار سلطنتی است. آقای قاضی هم همین روحیه را داشتند و لذا رژیم مکرراً ایشان را از این شهر به آن شهر تبعید و زندانی کرد که لابد شرح آنها را می دانید.

در مورد درجات علمی و فقهی شهید آیت الله قاضی نکاتی را بیان فرمائید.

شهید قاضی فقیه مسلم بودند. علاوه بر فقاقت، ایشان زمان آگاه بودند، یعنی اوضاع جهان را خوب می دانستند و کاملاً به مبارزاتی که علمی قبل از ایشان داشتند، آگاه بودند و در صحبت ها و سخنرانی هایشان غالباً به این نکات اشاره می کردند. از دیگر ویژگی های ایشان قلم خوبشان است، مخصوصاً به زبان عربی بسیار زیبا می نوشتند. از تالیفات ایشان یکی هم در مورد اربعین حضرت حسین (ع) است که تحقیق بسیار جامعی درباره این حادثه مهم تاریخ اسلام است. همین قدر بگویم که اگر مبارزات و فعالیت های سیاسی، وقت ایشان را به خود اختصاص نمی داد، به عنوان یک صاحب قلم محقق، آثار علمی فراوانی را از خود به یادگار می گذاشتند.

منزل آقای قاضی پایگاه انقلابیون بود و خود ایشان رهبری نهضت را در آذربایجان به عهده داشتند و همین امر موجب می شد که ایشان فرصت کافی برای عرضه آثار علمی بیشتر پیدا نکنند.

از ویژگی های اخلاقی ایشان به نکاتی اشاره بفرمائید.

شهید قاضی بسیار انسان مؤدب و خلیقی بودند و با همان حسن برخورد داشتند. بسیار صبور و مقاوم بودند و تبعیدها و زندان ها و از آن پس تهمت ها و ناسزاها تغییری در رفتار ایشان پدید نیاورد. شجاعت و صراحت لهجه ایشان نظیر نداشت و در سخنرانی ها از بیان هیچ حقیقتی ابا نداشتند. مصداق کامل «و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» بودند.

برخی معتقدند شهادت آیت الله قاضی طباطبائی یک موج بیدارگری را در آذربایجان به راه انداخت. عده ای هم بر این باورند که هر چند چنین بود، اما صدمه ای که از فقدان ایشان به عنوان عنصر وحدت بخش پیش آمد، بیش از آن بیداری بود. تحلیل شما از این موضوع چیست؟

این موضوع تنها به شهید قاضی بر نمی گردد. شهدای هفتم تیر، شهدای 8 شهریور، شهدای دیگر محراب آیت الله مدنی، آیت

الله دستغیب ، آیت الله صدوقی ، آیت الله اشرفی اصفهانی و دیگران . فقدان همه اینها واقعاً صدمه به انقلاب و اسلام بود و جای خالی آنها را دشوار بتوان پر کرد . اینها فقهای بسیار مؤثری در جامعه بودند و نقش هدایتی آنها را کسی نتوانست ایفا کند ، از این جهت شهادت آنان ضربه بود . فقدان شهید قاضی نیز مانند سایر بزرگان از یک بعد خلأیی را ایجاد کرد و ثلمه ای را در جهان اسلام پدید آورد که هیچ چیزی آن را جبران نمی کند ، ولی از این نظر که تشییع جنازه آنها موجی را ایجاد کرد که منافقین حساب کار دستشان آمد و این تکریم و تجلیل و تشییع جنازه و عزاداری ها و به سر و سینه زدن ها و اظهار ارادت ها سبب تثبیت انقلاب و بیشتر برملا شدن ماهیت پلید نفاق ، گروه فرقان و گروهک های آمریکائی نمی شد ، بنابراین باید بین این دو نکته تفکیک قائل شد که شهادت ایشان از سوئی خلأیی را ایجاد کرد ، اما از سوی دیگر رحلتشان هم مثل حیاتشان برای اسلام عزت بخش بود .

منبع: ماهنامه شاهد یاران، شماره 51